**موضوع:**

[دین و اندیشه](https://www.ziaossalehin.ir/fa/category/61)›[اخلاق و عرفان](https://www.ziaossalehin.ir/fa/category/65)

حجت الاسلام محسن قرائتی؛

در آستانه اربعین هستیم. کلمه اربعین به معنی چهل است و من امروز می خواهم درباره اربعین و چهل صحبت کنم. پارسال و پیارسال هم به مناسبت اربعین صحبت هایی کردم ولی امسال به یک حدیث هایی رسیدم که بحث خیلی تکمیل شده است. حدوداً تا الان که می آمدم به حدیث هایی برخوردم و دیدم که در بیشتر اینها کلمه چهل است، البته گفتن بعضی هایش خیلی ضرورت ندارد، چون پیام ندارد. اما بعضی از چیزهایی که پیام دارد و شنیدنش برای ما هم مفید است، می خواهم بگویم.

در مسائل عبادی، نظامی، اقتصادی، سیاسی، بهداشتی، تربیتی، در همه این مسائل عدد چهل هست. در مسائل متفرقه هم است. آیات، حدیث ها و روایاتی که درباره مسئله چهل نظر دارد را بررسی می کنیم.

عبادت زن و شوهری که همدیگر را آزار می دهند تا چهل روز پذیرفته نیست

اما در مسائل عبادی بگویم. زنی هم که شوهرش را اذیت کند و یا شوهری که زنش را اذیت کند، اگر هر یک از زن و شوهر همدیگر را اذیت کنند، عبادت هیچ کدام از زن و مرد قبول نمی شود. یعنی آزار به زن و آزار به شوهر نتیجه اش همان نتیجه شراب خوردن است.

زنی هم که شوهرش را اذیت کند و یا شوهری که زنش را اذیت کند، اگر هر یک از زن و شوهر همدیگر را اذیت کنند، عبادت هیچ کدام از زن و مرد قبول نمی شود. یعنی آزار به زن و آزار به شوهر نتیجه اش همان نتیجه شراب خوردن است. پس آدم هایی داریم که حزب اللهی هستند و عرق نمی خورد اما زنش را در خانه می سوزاند. نتیجه این با آدم شرابخوار یکی است. مواظب باشید. ببینید آدم گاهی آتش می گیرد. بالاخره گرانی هست و چیزی هم نیست. مشکلات زیاد است. آدم عصبانی می شود. اگر عصبانی شدید عذرخواهی کنید. نگویید مرد نباید از خانمش عذر خواهی کند. مرد باید از خانمش عذرخواهی کند. مرد باید از بچه اش هم عذر خواهی کند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِینَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ ثُمَّ دَعَا اسْتُجِیبَ لَهُ»(الکافی، ج۲، ص۵۰۹) «مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِینَ» باز در اینجا کلمه اربعین است. تا چهل روز نمازش قبول نیست.

عبادت شرابخوار تا چهل روز پذیرفته نیست

پیغمبر به امیرالمومنین فرمود: «یَا عَلِیُّ شَارِبُ الْخَمْرِ لَا یَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَلَاتَهُ أَرْبَعِینَ یَوْماً»من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۳۵۲) کسی که اهل مشروبات الکلی باشد، اگر نمازخوان باشد، خدا نمازش را تا چهل روز قبول نمی کند. اگر هم نماز نمی خواند که برایش بدتر است. به یک عالمی گفتند: فلانی ساعت دو نصف شب دزدی کرده است. گفت: دو بعد از نصف شب دزدی کرده است؟ گفتند: بله. گفت: پس نماز شبش را چه کسی می خواند؟ گفتند: بابا دزد که نماز شب نمی خواند. حالا ما آدم هایی داریم که هم شراب می خورند و هم نماز می خوانند. یک کسی به کسی سفارش می کرد، می گفت: عرق می خوری بخور. قمار بازی می کنی، بکن. دزدی می کنی بکن. فحش می دهی بده. چاقو می کشی بکش، اما مسلمان باش. گفت که دیگر کجای این مسلمانی است؟ بالاخره ما آدم هایی داریم که مسلمان هستند و اهل عرق هم هستند. اگر کسی چنین باشد عبادتش تا چهل روز قبول نمی شود. این برای عرق خوردن بود. آدمی که شراب بخورد تا چهل روز نمازش قبول نیست.

دعا کردن به چهل مومن

اگر کسی می خواهد دعا کند اول به چهل مومن دعا کند. خداوند چون این خصلت را از او می بیند که این سوز دارد، می گوید: ملائکه این که دلش می سوزد و به چهل مومن دعا می کند، دعای خودش هم مستجاب شود. منتهی به شرط این که از روی سوز به چهل مومن دعا کنیم. نه این که برای چهل و یکمی، آن چهل نفر را دعا کنیم. آخر گاهی وقت ها آدم در یک گروهی می خواهد یک نفر را ببوسد ولی می ترسد که برایش حرف در بیاورند. این دو نفر را می بوسد، ولی نیتش آن آخری است. اینطور نباشد. واقعاً از روی علاقه باشد. گاهی آدم در صف نانوایی می رود و علاقه به نظم دارد. گاهی نه با تمام وجودش می خواهد در برود، ولی می ترسد خارج از نوبت به او فحش بدهند. برای همین از ترس در صف می رود. فرق بین کسی که به نظم علاقه دارد با کسی که از روی ترس در صف می رود چیست؟ هر دو در صف می روند اما این کجا و آن کجا. اگر کسی به چهل نفر از روی عشق و محبت دعا کند، به خاطر این خصلت و روحیه اش خدا دعای او را مستجاب می کند.

همه کارهایش برای خدا باشد، یعنی وقتی سر کار می رود، بگویند: آقا کجا کار می کنی؟ بنده کارمند راه آهن هستم. مثل شما الان کارمند راه آهن هستم. خوب چرا سر کار می آیی؟ یک وقت می گویی: بابا ما خرجی نداریم. یک وقت می گویی: بابا زن و بچه مسئولیت دارد و من واجب است خرجی زن و بچه ام را بدهم. به خاطر انجام این واجب کار می کنم.

سراغ نماز می آیم و نماز می خوانم. خوب نماز که می خوانم با مسواک زدن ثواب یک رکعت آن هفتاد رکعت می شود. با گلاب بروم نماز بخوانم، می خواهم با خدا که حرف می زنم بوی عطر از من بیاید. یک وقت می گوید: من از گلاب خوشم می آید. یک وقت می گوید: خدا راضی است و من خوشم می آید، فرق می کند. یک محصل برای نمره درس می خواند، یک محصل برای درس، درس می خواند. یک دانشجو دانشگاه می رود برای نمره گرفتن و به مدرک رسیدن و به زندگی رسیدن و لذا ببیند که در آلمان و فرانسه زندگیش بهتر است، فوراً در می رود. چون از اول که به دانشگاه رفته است می خواسته در حال رفاه باشد. هر جا ببیند رفاهش بیشتر است به آنجا میرود، یک کسی به رفاه کار ندارد، به این کار دارد که میخواهد یک مشکلی از مملکت باز کند، بنابراین به او هر چه هم چراغ سبز نشان دهند، خویش و قوم هایش هم هر چه نامه به او بنویسند، نمی رود. این بسیار فرق می کند.

چهل روز خالصانه برای خدا

«مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِینَ» خدا به حضرت موسی فرمود: ۳۰ روز دعا کن ولی دید ۳۰ روز کم بود. قرآن می گوید: «وَ أَتْمَمْناها بِعَشْرٍ»(اعراف، آیه ۱۴۱) مناجات حضرت موسی چهل شب بود. پیغمبر فرمود: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِینَ یَوْماً فَجَّرَ اللّهُ یَنَابِیعَ الْحِکمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَی لِسَانِهِ»(عدة الداعی، ص۲۳۲) اگر کسی چهل روز سعی کند برای خیر خدا کار کند هر کاری می کند برای خدا باشد، هر کس چهل شبانه روز فقط برای خدا کار کند خداوند یک حالت و بینشی به او می دهد که می فهمد حق با کیست. باطل کیست؟ دنیا چیست؟ عیب ها چیست؟ دواها چیست؟ آن وقت یک آدم حکیم و پخته ای می شود و حکمت او بر زبانش جاری می شود، یعنی اگر عوام هم باشد اگر درس نخوانده هم باشد. اگر چهل روز سعی کند همه کارهایش برای خدا باشد بعد از چهل روز حرف هایی که می زند حرف های پخته ای می زند. حکیم غیر دانشمند است. گاهی باسواد است و حرف هایش خام است، گاهی بیسواد است و حرف هایش پخته است. بیسواد است ولی حرف هایش پخته است.

اگر کسی برای خدا تا چهل روز کارهایش را انجام دهد این را خدا فرموده است ما او را حکیم می کنیم. یعنی اگر هیچ هم سواد ندارد حرف هایی که می زند بسیار پخته است، یک بینشی دارد.

یکی از دوستان می گفت: در ماشین نشسته بودم یک شعر خواندم، گفتم:

الهی جسم و جانم خسته گشته

در رحمت به رویم بسته گشته

یک عوامی نشسته بود و هیچی هم سواد نداشت. گفت: آقا جسم و جانت خسته گشته است خب برو دو ساعت بخواب. درِ رحمت خدا هم به روی هیچ کس بسته نگشته است. ایشان می گفت: ما مدیر کل بودیم و او هم یک آدم بیسواد است. می گفت: آنقدر من خجالت کشیدم. بله گاهی وقت ها عوام هستند اما یک حرفی که می زند که یک حرف پخته ای است. در یک باغی و در یک شهری رفتیم. به صاحب باغ گفتم: این همه درخت هیچ کدام میوه نمی دهد؟ گفت: این همه آدم هستیم و اینجا می خوابیم، یکی از ما نماز شب نمی خواند، خوب این به آن در.

چهل نفر در تشییع جنازه مومن

شیخ صدوق از امام صادق روایت کرده است که : «اذا مات‏ المؤمن‏، و حضر جنازته أربعون رجلا من المؤمنین، فقالوا: اللّهمّ لا نعلم منه الا خیرا و أنت أعلم به منا، قال اللّه تبارک و تعالی قد أجزت شهادتکم و غفرت له ما علمت ممّا لا تعلمون.»(عوالی الئالی، ج۱، ص۱۶۸)

اگر یک مومنی از دنیا رفت و چهل نفر گفتند: خدایا ما بدی از او ندیدیم، خدا می گوید: من که میدانم این چه کاره بود که مُرد، اما حالا که شما چهل مسلمان می گویید: ایشان آدم خوبی است، من به احترام گواهی شما از آنچه می دانم می گذرم. شهادت چهل مومن بر جنازه، این بسیار عجیب است و اگر کسی هم در تشییع جنازه اطراف جنازه را بگیرد، تشییع کند و جنازه را روی دوشش بگیرد خدا چهل گناه کبیره او را می بخشد. در کارهای عبادی اینها چهل بود. تشییع جنازه عبادت است. نماز عبادت است. مناجات موسی عبادت است. اخلاص برای خدا عبادت است.

یک وقت داشتم با ماشین در جاده، می رفتم سگی به ماشین حمله کرد، یک مقدار که رفتیم، دیگر سگ از منطقه خود دور شد، چون هر سگی یک منطقه ای دارد. فقط تا یک منطقه ای می آید که در دست اوست. بعد یکی از دوستان گفت: ببینید این سگ منطقه ای که برای خودش بود حفظ کرد، تو آن منطقه ای که داری حفظ می کنی به مسئولیتت عمل می کنی؟ نکند که ما از حیوان پست تر باشیم. چون مار سالی ده نفر را می گزد زبان ما روزی ۱۰نفر را می گزد. الآن اگر به دادگاه تلفن کنید هیچ کدام از گرگ های عالم در آنجا پرونده ندارند ولی ببینید که ما آدم ها چه قدر در آنجا پرونده داریم. بنابراین اگر کسی خالص کار کند خداوند او را حکیم قرار می دهد.

عدد چهل در مسائل نظامی

 و اما در مسائل نظامی یک حدیث برایتان بخوانم. این برای بسیجی ها، ارتشی ها، کسانی که رزمنده هستند و برای هر نیرویی خوب است. پیامبر اکرم فرمودند: «إِنَّ صَبْرَ الْمُسْلِمِ‏ فِی‏ بَعْضِ‏ مَوَاطِنِ‏ الْجِهَادِ یَوْماً وَاحِداً خَیْرٌ لَهُ مِنْ عِبَادَةِ أَرْبَعِینَ سَنَةً.»(عوال اللئالی، ج۱، ص۲۸۲)

اگر یک نفر یک روز در جبهه باشد، ارزشش از چهل سال عبادت بیشتر است. یعنی یک مسلمان در بعضی مناطق جهاد مقاومت کند. مسلمان در جبهه جا دارد، اگر یک شبانه روز در بعضی از جاهای جنگ، در بعضی از قسمت های جبهه باشی، ارزشش از چهل سال عبادت بیشتر است. این هم برای ارزش جبهه بود. امام سجاد فرمود: یک کسی که به جبهه می رود، خدا چهل هزار فرشته را مأمور می کند، که از این رزمنده که می رود جبهه بدرقه کنید. حدیث هم داریم که امام فرمود: وقتی امام زمان(عج) ظهور می کند، یاران امام زمان چنان قدرت رزمی شان زیاد می شود که یک نفر مسلمان از یاران امام زمان، به اندازه چهل نفر زور دارد. پس در مسائل رزمی هم چهل بود. واقعاً همینطور است. شما حساب کن سخنرانی کسی مثل امام که این پیام برائت را داد، چقدر اثر دارد؟ یک روز سخنرانی امام به کل عمر همه ما می ارزد. علی اصغر شش ماهش بود، اما این شش ماهه به ششصد سال عمر ما می ارزد، چون سند بنی امیه را خون علی اصغر امضا کرد. چون اگر علی اصغر در کربلا نبود فایده اش اینقدر نبود. می گفتند: بابا سر حکومت دعوا کردند، حالا یکی هم آن یکی را کشت. می گفت: حالا فرض می کنیم، اینطور که تو می گویی بود، علی اصغر چه گناهی داشت. این علی اصغر آخرین چیزی است که این بنی امیه را در بن بست قرار می دهد، که می گوید: این دیگر چه گناهی کرده بود. گاهی یک کسی کوچک است ولی نقش بزرگی دارد.

عدد چهل در مسائل اقتصادی

در مسائل اقتصادی امام صادق علیه السلام فرمود: «الْحُکرَةُ فِی الْخِصْبِ أَرْبَعُونَ یَوْماً وَ فِی الشِّدَّةِ وَ الْبَلَاءِ ثَلَاثَةُ أَیَّامٍ فَمَا زَادَ عَلَی الْأَرْبَعِینَ یَوْماً فِی الْخِصْبِ فَصَاحِبُهُ مَلْعُونٌ وَ مَا زَادَ عَلَی ثَلَاثَةِ أَیَّامٍ فِی الْعُسْرَةِ فَصَاحِبُهُ مَلْعُونٌ»(الکافی، ج۴، ص۱۶۵) اگر وضع مردم خوب باشد یک کسی چهل روز چیزی را انبار کند، محتکر است. آخر می گویند: اگر چند روز آدم انبار کند محتکر است. اگر سه روز نبود احتکار کرد، روز چهارم محتکر است. یک وقت یک چیزی نیست، اگر سه روز آن چیز نباشد و آن را انبار کند محتکر است و اگر یک چیزی چهل روز هست. خوب حالا اگر محتکر باشد چه؟ حدیث داریم پیغمبر فرمود: اگر کسی دزد باشد خدا بیشتر دوستش دارد تا محتکر باشد. چون دزد از پولداران می دزد، محتکر از گدا می دزد. فرض کنید محتکر از فقرا صابون می خواهد، تاید می خواهد او روغن نباتی می خواهد، اینهایی که می خواهند همه مثل خود شما از یک طبقه هستند. محتکر از طبقه محروم بر می دارد. دزد از پولدار می دزد. قالی ابریشمی، طلا، سکه و... می دزد. پیغمبر فرمود: «وَ لَأَنْ یَلْقَی اللَّهَ الْعَبْدُ سَارِقاً أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ أَنْ یَلْقَاهُ قَدِ احْتَکرَ طَعَاماً أَرْبَعِینَ یَوْماً»(من لا یحضره الفقیه، ج۳، ص۱۵۸) اگر خدا با یک نفر سارق برخورد کند، او را بیشتر دوست می دارد تا کسی که احتکار کند. حالا اگر کسی احتکار کرد، گران شد بعد فروخت پولش را در راه خدا داد. امام می فرماید: اگر کسی جنسی را انبار کند که گران شود، بعد گران شد و فروخت و پولش را در راه جبهه داد، مثلاً باز هم گناه احتکارش را با این پول خرج کردن حل نمی کند. احتکار در زمان عادی در شرایط معمولی چهل روز است، ولی احتکار در شرایط داغ و حاد سه روز است. دزد از محتکر بهتر است. این هم یک حدیث است. حدیث دیگر این که اگر محتکر گران بفروشد و پولش را در راه خدا دهد، آن ثواب چاله آن گناه را پر نمی کند. حدیث ها از کتاب وسایل جلد ۱۲ و سفینة البحار، جلد ۱ بود. این یک حدیث برای مسائل اقتصادی بود.

عدد چهل در مسائل سیاسی

اما چهل در مسائل سیاسی را بگویم. پیغمبر فرمود: «یَوْمٌ وَاحِدٌ مِنْ سُلْطَانٍ عَادِلٍ خَیْرٌ مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِینَ یَوْماً»(مستدرک الوسائل، ج۱۸، ص۹) یک روز یک آدمی که رهبر و عادل باشد، نفع یک روز رهبر عادل از چهل روز بارندگی بیشتر است.

یک سخنرانی بود که وقتی من گوش دادم کلی پای رادیو گریه کردم. گفتم: خدایا این یک سخنرانی یک ساعته، به عمری سخنرانی ما می ارزد. چون حدیث داریم «إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ کلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ»(الکلینی، ج۵، ص۵۹) یعنی بهترین جهاد این است که آدم پهلوی آدم های فاسد قرص حرف بزند. «کلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ»«یَوْمٌ وَاحِدٌ مِنْ سُلْطَانٍ عَادِلٍ خَیْرٌ مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِینَ یَوْماً» از مطر بهتر است. مطر به معنی باران است.

«أَرْبَعِینَ یَوْماً» این هم برای یک رهبر عادل و ما باید افتخار کنیم که چنین رهبر عادلی داریم. البته من ضامن نیستم در مسئولین مملکت و هر که وزیر است، وکیل است، معاون است، مدیر کل است، همه را نمی دانم اما این را می دانم و اجازه دهید که بگویم، من از یکی از شخصیت های درجه یک که حالا نمی توانم اسمش را ببرم، ایشان گفت: بنده جز از گوشت یخی و جز کوپن استفاده نمی کنم. اصلاً گوشت گرم نمی خرم و ما باورمان نمی آید. ما پشت سر آقای خامنه ای نماز می خوانیم من از ایشان شنیدم که گفت: بنده فقط خوراکم با کوپن است و این هم گوشت یخی است. حالا اگر یک جایی به میهمانی رفتیم یک چیزی به ما دادند آن حسابش جداست.

قرآن هم می گوید: حضرت ابراهیم دو میهمان برایش آمد، ابراهیم یک شتر کشت و گوشتش را کباب کرد و از مهمان هایش پذیرایی کرد. یک وقت حساب یک میهمانی جداست. ما یک وقت یک جایی بودیم بعد از سخنرانی همه در صف رفتند، گفتند: آقای قرائتی اگر می خواهی عادل باشی تو هم باید در صف بیایی. گفتم: درست است، عدالت یعنی من هم در صف بروم. اما یک چیز دیگر هم باید بگویم و شما نمی دانید که میهمان باید پذیرایی شود، بی انصاف ها من میهمان شما هستم. دیگر چیزی نگفتند، احترام در صف رفتن همه یک اصل است. اما بالاخره احترام میهمان هم یک اصل است. من چون امروز میهمانتان هستم گفتند: خیلی خوب پس برو. در عین حال یک دقیقه ای در صف رفتیم و بعد هم بیرون رفتیم.

اجمالاً باید قاطی نکنیم گاهی وقت ها واقعاً یک فرصت هایی حیف است، مثلاً یک پزشک جراح که می تواند روزی ده نفر را در بیمارستان از مرگ نجات دهد، ایشان در صف تخم مرغ برود، این بسیار ظلم است. نه آقا تو عادل هستی تو باید در صف بروی، فلانی هم در صف برود. آقاجان فلانی از صبح تا شام از خطری دفاع نمی کند اما یک پزشک جراح، یک خلبان، یک مغز متفکر، یک استاد دانشگاه، یک آدم هایی هستند کارشان کیفی است. بعضی ها کارشان کیفی است. بین کیفی و کمّی فرق است. ما نمی گوییم: هر کس کیف دستش است از صف بیرون برود اما هر کس کارش کیفی است از صف بیرون برود. گناه است که پزشک جراح در صف برود، گناه است که خلبان در صف برود. آخر درست است یک شب او برود ولی «لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ».(سوره قدر،آیه۳) قرآن هم می گوید: همه شب ها تاریک است. اما خوب شب قدر با باقی شب ها فرق می کند. البته باز نمی خواهم بگویم در مسئولین ما، ضامن دولت و رئیس مجلس و رئیس جمهور و امام و... اینها را زندگیشان را می دانیم. اما حالا فلان منطقه یک مسئول یک کاری کرد، من ضامن همه نیستم.

عدد چهل در مسائل بهداشتی

در مسئله بهداشت داریم که اگر کسی چهل روز گوشت نخورد بداخلاق می شود و حتی داریم که اگر چهل روز گوشت گیرتان نیامد، قرض هم کردید اشکال ندارد. ولی در چهل روز باید گوشت خورده شود، حالا از نظر بهداشتی چگونه است؟ وضع بدن ما که چهل روز به چهل روز باید گوشت به آن برسد، آن یک حساب دیگر دارد. داریم که اگر هم کسی دائماً چهل روز پشت سر هم گوشت بخورد، قساوت قلب پیدا می کند ولی اگر کسی چهل روز گوشت نخورد بداخلاق می شود. درباره نظافت بدن و موی بدن داریم از چهل روز بیشتر طول نکشد یعنی هر چهل روز یکبار حتما نظافت کنید. اگر کسی ایمان به خدا دارد و به قیامت ایمان دارد از چهل روز بیشتر طول نکشد. درباره یک سری غذاها هم سفارش شده است که چهل روز به چهل روز این غذا و این اثر باید به بدن برسد. حالا اگر ما الان این را بگوییم ممکن است یک کسی واقعاً نداشته باشد، البته ما در ایران با همه مشکلاتی که داریم وضعمان از خیلی جاها بهتر است. ما الان میلیون ها آدم داریم که حالا اسمشان را نمی برم. میلیون ها آدم داریم که واقعاً چیزی گیرشان نمی آید. درباره ی مسئله انار هم بسیار سفارش شده است که هر چهل روز یک بار حتما مصرف شود.

ما به دکتر رفتیم گفت: صبح، صبحانه زرده تخم مرغ بخور، عصر فلان چیز را بخور، نهار کباب برگ بخور. گفتم: آقا آدرس خانه تان را هم بنویسید، چون اینها در خانه ما نیست. البته می توانم یک وعده کباب بخورم، اما شما برای دو ماه می گویی کباب بخور من نمی دانم که همان یکی، دو بارش را هم می توانم کباب بخورم یا نه؟ اما لطفاً آدرس خانه تان را بدهید. گفت: حضرت عباسی خانه ما هم نیست. اجمالاً حالا چون مسئله ای است که با کمبود مواد غذایی روبرو هستیم اجازه بدهید که این را بیشتر باز نکنیم، چون نیست. البته این را هم به شما بگویم ما خودمان این نیست را پذیرفتیم، همین برادران که این را به پیشانیشان بستند، اینها که به جبهه می روند این را قبول دارند.

ما سه راه داریم اگر خواسته باشیم همه چیزی در مملکت باشد و کمبود نباشد این سه راه است: ۱. سازش با آمریکا. ۲. از کشورهای پولدار وام بگیریم. ۳. کم خوردن و محکم ایستادن.

عدد چهل در مسائل تربیتی

در مسائل تربیتی باز عدد چهل چراغ می زند. این عدد چهل خیلی در حدیث ها چراغ می زند، حالا این چهل چیست این را دیگر نمی دانم. حدیث داریم که قرآن می گوید: «حَتَّی إِذا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعینَ سَنَةً»(سوره احقاف، آیه۱۵) سن چهل سال اوج رشد انسان است و انبیاء ما اکثراً در سن چهل سالگی به مقام نبوت رسیدند از جمله پیغمبر خودمان که در سن چهل سالگی به رسالت مبعوث شدند. پیغمبر فرمود: اگر یک آدم مجرم را بخوابانند و شلاقش بزنند فایده اش از چهل روز بارندگی برای جامعه بیشتر است. بله نباید رحم کرد چون:

ترحم بر پلنگ تیز دندان
ستمکاری بود بر گوسفندان

اگر در یک شهری یا شهرکی یک دزدی را گرفتند، چهار تا انگشتش را قطع کردند دیگر مردم محله راحت می خوابند وگرنه اگر او را زندان بردند و برگشت باز همه مردم منطقه در ناراحتی و ناامنی به سر می برند. اگر ما خواسته باشیم به دزد رحم کنیم، ناامنی را در کل منطقه حاکم کردیم. اگر یک کسی خلاف کرد او را بخوابانند و شلاق بزنند. خوب شما در راه آهن رفتید، خیلی از زن ها بدون شوهرشان می آیند و بلیط تهیه میکنند و تنهایی از تهران به اهواز یا... می رود.

چرا یک زن تنهایی بلیط می گیرد و به مشهد می رود و بر می گردد؟ به خاطر این که مملکت امن است. اگر ناامن باشد خوب دلهره در همه جا ساکن می شود. بنابراین اگر دو مجرم را شلاق بزنند، ارزش امنیتش خیلی بیشتر از باران های مبارک است.

چهل سالگی

داریم آدم چهل ساله عصا دست بگیرد. رهبر کبیر انقلاب زمانی این را برای شاگردانش معنا کرده بود، یعنی هر کس چهل ساله شد عصا دست بگیرد. یعنی با احتیاط راه برو. آدم چهل ساله عصا دست بگیرد، یعنی عصای احتیاط دست بگیرد. یعنی تو دیگر بچه نیستی، تو دیگر هر چیزی را نگو. حالا تو چهل سالت شده است. حدیث داریم کسانی که چهل سالشان می شود تغییری پیدا نمی کنند، شیطان پیشانیش را می بوسد، می گوید: پدر و مادرم فدای تو، تو دیگر آدم حسابی بشو نیستی. چون وقتی تا چهل سال یک انسانی یک خطی را رفت، برگشتش محال نیست، اما تربیت این طرف مشکل است او چهل سالش است. البته محال نیست اما سخت است.

روایتی داریم خداوند تا چهل سال به مأمورین و فرشتگان می گوید: با مدارا رفتار کنید. اما همین که چهل سالش شد، گناهی می شود می گوید: «فَغَلِّظَا». «إِنَّ الْعَبْدَ لَفِی فُسْحَةٍ مِنْ أَمْرِهِ مَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ أَرْبَعِینَ سَنَةً فَإِذَا بَلَغَ أَرْبَعِینَ سَنَةً أَوْحَی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَی مَلَکیْهِ قَدْ عَمَّرْتُ عَبْدِی هَذَا عُمُراً فَغَلِّظَا وَ شَدِّدَا وَ تَحَفَّظَا وَ اکتُبَا عَلَیْهِ قَلِیلَ عَمَلِهِ وَ کثِیرَهُ وَ صَغِیرَهُ وَ کبِیرَهُ»(الکافی، ج۸، ص۱۰۸) دو فرشته ای که اعمال ایشان را می نویسید«فَغَلِّظَا» یعنی غلیظ برخورد کنید. برخورد را تند کنید، این دیگر چهل سالش شد باز هم گناه می کند «وَ شَدِّدَا» شدت عمل نشان دهید «وَ تَحَفَّظَا» مو را از ماست بکشید. چهل سالش شده ولی باز هم گناه می کند. «وَ اکتُبَا عَلَیْهِ قَلِیلَ عَمَلِهِ وَ کثِیرَهُ». قلیل کارش و کثیر کارش را کم و زیادش را بنویس. «وَ صَغِیرَهُ وَ کبِیرَهُ» یعنی وقتی انسان چهل سالش شد غسل بلد نیست. چهل سالش شده نماز بلد نیست. چهل سالش شده تکان نمی خورد، افسوس به حالش.

حالا اول مهر است این را بگویم: چهل سالش شده چهل تا یک روز سر کلاس های نهضت سوادآموزی نیامد تا دو کلمه یاد بگیرد. چهل سالش شده هنوز بلد نیست بنویسد، آدم یک روز نوشتن را یاد می گیرد. چهل سالش است هنوز با مدرسه موش ها نشسته است. نشسته پینوکیو تماشا می کند. خوب بابا تو که پای تلویزیون نشستی، می بینی بچه ات می گوید: آفرین، صد آفرین، هزار و سیصد آفرین. تو هم همچنین می کنی تو چهل سالت است. آخر آدم چهل ساله که نباید برنامه کودک ببیند، گاهی آدم می نشیند ببیند با بچه اش چگونه حرف بزند، آن طوری نیست. اما اینجا باید دقت کنیم که اگر چهل سالمان شد یک خورده کوتاه بیاییم و به قول امام عصای احتیاط دست بگیریم. خدا فرشته ها را مأمور می کند که دیگر اغماض نکنند. حدیث داریم که پیغمبر فرمود: اگر کسی برود یک باب علمی را یاد بگیرد برای این که باطلی را به حق جلوه دهد یا گمراهی را به هدایت راهنمایی کند، این آقایی که تحصیل می کند جلوی باطل را بگیرد و حق را ترویج کند، کار این طلبه است که سراغ تحصیل علم برای ارشاد مردم برود. اگر کسی هجرت کند و برای تحصیل از خانه اش بیرون برود آن هم تحصیلی که بار داشته باشد، آخر بعضی تحصیل ها بار ندارد، خیلی چیزها که ما می خوانیم مسافرت هم می کنیم، ممکن است خارج هم برویم در دانشگاه هم برویم، چیزی هم حفظ کنیم، نمره هم بگیریم، کمک هم بگیریم اما بار ندارد. علم باید بار داشته باشد. بار یعنی چه؟ مثلا سوال ایدئولوژی می کنند. مسابقه است خوب بفرمایید. آیا خرمشهر در عملیات بیت المقدس یا فتح المبین یا دهه فجر یا مسلم بن عقیل آزاد شد؟ حالا این را بدانم چه می شود ندانم چه می شود؟ مثل این که بگوییم: آقا استاد شما ۶۰ کیلو است یا ۷۰ کیلو یا ۸۰ کیلو، چند کیلو است؟ این چه باری دارد. باید بگوییم: خرمشهر چه طور سقوط کرد و چه طور آزاد شد؟ چه طورش را نمی دانم، حالا اسم عملیات هر چه می خواهد باشد. حسینیه جماران قالی است یا موکت یا زیلو است؟ این چه باری دارد. امام چه فرمود؟ بسیاری از چیزهایی که بچه های ما می خوانند هیچ بار علمی ندارد. یعنی بدانیم یا ندانیم اثری ندارد. در جغرافی می خوانیم که زیمباوه بادام زمینی دارد. خوب حالا به من چه؟ می خوانند و نمره هم می آورند. ولی هیچ بار علمی ندارد. به دبیرستان دخترانه گفته بودند که درباره زندگی ملاصدرا مقاله بنویس. آخر ملاصدرا یک فیلسوف بزرگوار به دختران دبیرستانی چه کار دارد؟ به او بگو درباره زندگی حضرت زینب(س) بنویس، درباره زندگی حضرت فاطمه(س) بنویس. نقش زن در انقلاب را بنویس. آدم یک چیزی که یاد می گیرد باید یک نتیجه ای هم داشته باشد.

حدیث داریم: «مَنْ خَرَجَ یَطْلُبُ بَاباً مِنْ عِلْمٍ لِیَرُدَّ بِهِ بَاطِلًا إِلَی حَقٍّ أَوْ ضَلَالَةً إِلَی هُدًی کانَ عَمَلُهُ ذَلِک کعِبَادَةِ مُتَعَبِّدٍ أَرْبَعِینَ عَاماً»(امالی طوسی، ص۱۱۸) کسی که سراغ علم برود اما چه علمی و علمی که جلوی باطل را بگیرد و ظلالت و گمراهی را از انسان دور کند. اگر سراغ علم باردار رفتیم آن وقت یک کار مهمی کرده ایم. ارزش یک روز چنین علمی از یک دانشجو یا طلبه از چهل سال عبادت بیشتر است.

برای این که خداوند می خواهد فاطمه زهرا را به پیغمبر دهد سفارش می کند. پیغمبر شما چهل روز از خدیجه دور باش. چرا برای این که می خواهم یک غذای جدیدی به تو بدهم. یک غذایی است که باید نطفه زهرا از آن درست شود. چون مسئله تربیتی است باید مخلوط با غذاهای عادی نباشد، چه گفتم: چهل. آدم اگر۴۰ ساله شد، فرشته ها به او سخت می گیرند. برادران و خواهرانی که حرف مرا می شنوند کسانی که چهل سالتان است مواظب باشید دیگر مثل دیگران نباشید. حرفتان، فکرتان، نمازتان، قبلاً آنطور نماز می خواندی دیگر چهل سالت است درست نماز بخوان. دیگر نماز خواندن کاری ندارد، نماز ۱۵ کلمه است در هر خانه ای باسواد هست این کلمه را درست کن. می گویند:«نستغین» میگوییم: بگو «نَسْتَعینُ» میگوید: نستغین. میگوید: «الحمدرله» میگوییم: بگو «الحمدلله». چهل سالش است باز هم اشتباه می گوید، این خیلی بد است، دیگر بیایید به مادران و خواهران کمک کنید. شب های زمستان طولانی است. پنج، پنج و نیم غروب می شود. نه و نیم، ده و نیم می خوابیم. این چهار ساعت را شبی یک ساعت همه ایران مدرسه بشود. تو چه چیزی یاد گرفتی؟ نمازت را بخوان ببینم. قل هو الله ات را بخوان ببینم. می توانی قرآن بخوانی؟ سواد داری؟ امشب این کلمه را یاد بدهیم. خاطره که بلدیم یاد دهیم و استفاده کنیم. درباره آخرت هم داریم که فقرا، چون فقرا خوب درونشان است، آدم هایی که وضع مالیشان خوب است در آنها هم خوب هست. منتها آدم پولدار خوب کم است ولی باز هم پیدا می شود. اگر در روز قیامت آدمی بود که وضع مالیش خوب بود و آدم خوبی بود. باز فقیر چهل سال روزتر از پولدار به بهشت می رود با این که هر دو آدم خوبی هستند یعنی خوب ها هم به خاطر بار مالی خوبی که دارند، مسئولیت جیبش را دارد، معطلی شان بیشتر است.

حدیث داریم کسی که چهل حدیث حفظ کند روز قیامت جزو گروه فقها محشور می شود. درباره مسائل خانوادگی داریم که تا چهل روز.. . همین که آیه نازل شد «وَ أَنْذِرْ عَشیرَتَک الْأَقْرَبینَ»(شعرا، آیه۲۱۴) به پیغمبر گفت: اول از همه خویش و قوم هایت را دعوت کن، تبلیغ کن. و پیغمبر چهل نفر از فامیلش را دعوت کرد. حضرت امیر فرمود: اگر چهل یار می داشتم حقم را می گرفتم. امام زمان(عج) وقتی ظهور می کند در قیام یک مرد چهل ساله است. امام سجاد چهل بار به مکه رفت، اما حتی یک شلاق هم به حیوانش نزد. وقتی مادر امیرالمومنین فاطمه بنت اسد از دنیا رفت، احترام گرفت و پیغمبر نماز میت را که۴۰ الله اکبر دارد به این جنازه به خاطر مقام فاطمه بنت اسد و این که مادر علی بن ابیطالب است خواند، چهل الله اکبر گفت و کسی که قسم دروغ بخورد چهل روز نشده سیلی آن را می خورد. ابن اساکر کتابی نوشته است که در آن چهل حدیث از چهل عالم در چهل شهر نقل شده است. شخصی از علماء کمر همت را بسته تا ۴۰ شهر پهلوی چهل عالم رفته است و از هر عالمی یک حدیث پرسیده است. کتاب های زیادی درباره اربعین نوشته شده است از هر طرف تا چهل خانه همسایه هست.

کسی که غیبت یک مسلمانی را بکند چه زن مسلمان چه مرد مسلمان. «مَنِ اغْتَابَ مُسْلِماً أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ یَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَی صَلَاتَهُ وَ لَا صِیَامَهُ أَرْبَعِینَ یَوْماً وَ لَیْلَةً إِلَّا أَنْ یَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ»(جامع الخبار، ص۱۴۶) اگر کسی غیبت یک زن و شوهر مسلمان را بکند. نماز او تا چهل روز قبول نیست و ما کتاب های زیادی داریم. کتابی به نام اربعین نوشته شده است و حتی رهبر عزیز انقلاب هم کتابی به نام اربعین دارد و از جمله زیارت امام حسین در اربعین خیلی مهم است. که خود زیارت بار مهمی دارد و اربعین در انقلاب ما خیلی اثر داشت. یعنی اولین انقلاب ما ۱۹ دی که به قم ریختند کشتند و اربعینش در تبریز منفجر شد. یعنی اگر خود این اربعین ها یادتان باشد در انقلاب نقش مهمی داشت. و اربعین اول زائر امام حسین آمد و گفت: السلام علیک یا اباعبدلله. روز اربعین روزی است که یار قدیمی امام حسین آمد، نابینا بود عطیه او را سر قبر امام حسین آورد، قبلاً با آب فرات غسل زیارت کرد و آمد سه مرتبه سلام کرد و گفت: حسین جان من یار با وفای تو هستم در عاشورا نبودم و حالا به زیارت تو آمدم. زیارت اربعین از علامت مومن است، خداوند انشاءالله این کسانی که خون شهدای ما را در طول تاریخ ریختند عذابشان را زیاد کند.

منبع : پایگاه استاد قرائتی , قرائتی، محسن